

مکتب امام خمینی

www.ketab.ir

تازه‌های از بقیة الاولیاء حضرت آية الله بهجت
مهدی عاصمی





گنجینه‌های زکریا در استان جهان مارا بس
 زین حسن سایه آن هر روز دان مارا بس
 یار با ما است پر حاجت که زیادت بسیم
 دولت محبت آن موس جان مارا بس

www.ketab.ir

عاصمی، مهدی، ۱۳۵۵ -	سرشناسه
گوهرهای حکیمانه: تازه‌هایی از بقیة الاولیاء، حضرت ایه الله بهجت / مهدی عاصمی	عنوان و نام پدیدآور
قم: خادم الرضا، ۱۳۸۴.	مشخصات نشر
۲۰۸ ص.	مشخصات ظاهری
978-964-5912-84-8	شابک
فایا	وضعیت فهرست نویسی
بشت جلد به انگلیسی: Wisely jewels.	یادداشت
کتابنامه: ص. [۲۰۷] - ۲۰۸، همچنین به صورت زیرنویس.	یادداشت
تازه‌هایی از بقیه الاولیاء حضرت ایت الله بهجت.	عنوان دیگر
بهجت، محمدتقی، ۱۳۴۹ - - - کرامتها.	موضوع
مجتهدان و علما - - ایران - - سرگذشتنامه	موضوع
۳/۹۳ ب/۱۳۸۴/۲۹۷/۹۹۸	رده بندی کنگره
۲۹۷/۹۹۸	رده بندی دبویی
۴-۳۲۵۲	شماره کتابشناسی ملی



تازه های از بقیة الاولیاء
حضرت آية الله بهجت
مهدی عاصمی

ناشر: انتشارات خادم الرضا
طرح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح اللهی
چاپ: کوثر / صحافی: برات
نوبت چاپ: دوازدهم - پاییز ۱۴۰۱
تعداد کپی: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰,۰۰۰ تومان

www.ketab.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱۲-۸۲-۲
جميع حقوق برای انتشارات خادم الرضا محفوظ است

ارتباط با ما:

آدرس: خیابان مدرس، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱
تلفن: ۰۲۱-۱۱۱۱-۲۷۱۹۵



تلفن: ۰۲۱-۲۷۱۹۵۱۲۲ - ۲۷۱۹۱۱۲
۰۲۱-۲۷۱۹۵۱۲۳۸ - ۰۹۱۲۷۶۶۱۲۰۵



وبسایت: khadematululama.com
مدیران: آقایان: محمدعلی، سعید، سید علی، سید محمد، سید رضا، سید علی



فروشگاه مجازی: khadematululama.com
آدرس: تهران، خیابان مدرس، پلاک ۱۱۱، طبقه اول



کتاب: khadematululama.com
آدرس: تهران، خیابان مدرس، پلاک ۱۱۱، طبقه اول



شماره: ۰۲۱-۱۱۱۱۶۰۰
مجموعه: مجموعه کتابهای قرآنی، ۱۱۷





قم: خیابان صفاییه / کوچه‌ی شماره ۲۸ / نیش کوی شهید گل‌دوست / پلاک ۲۸۴
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۱۲۲ - ۳۷۷۲۶۱۶۵ - همراه: ۰۹۱۲۷۴۶۱۲۰۵

گرچه هستی سزای من

تازه‌هایی از بقیة الاولیاء
 حضرت آية الله بهجت
 مهدی عاصمی

ناشر: انتشارات خادم الرضاع / اطراح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح الهی
 چاپ: کوثر / نوبت چاپ: هوازدهم / شمارهگان: ۱۱۱۹ - ۱۱۱۸
 بهای: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۴-۶۷-۲۵۹۰-۹۶۲-۷۸
 جميع حقوق برای انتشارات خادم الرضاع محفوظ است

WWW.OTAB.IR

ارتباط با ما:

قم: خیابان صفاییه (چهارراه) / کوچه‌ی شماره ۲۸ / پلاک ۲۸۴
 صندوق پستی: ۳۷۱۹۵-۱۱۱۹



۰۲۵-۳۷۷۴۲۱۲۲ - ۳۷۷۲۶۱۶۵
 ۰۹۱۲ ۷۴۶ ۱۲۰۵ - ۰۹۱۲ ۲۵۱ ۳۲۸۹



صفحه اینستاگرام: @khdemorvaz
 نمایش تصاویر، معرفی کتابها و مطالب مرتبط با انتشارات



فروشگاه مجازی انتشارات: Khdemorvaz.com
 با امکان خرید محصولات و بهره‌مندی از تخفیف ویژه



کانال سروش: @khdemorvaz
 اطلاع رسانی آخرین اخبار و تازه‌های نشر



سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۹۱۹۶
 عضویت در باشگاه مخاطبین با ارسال عدد ۱۱۲





فهرست مطالب

۱۴.....	بیش گفتار
۲۱.....	بخش اول : ختم‌ها و ذکرها
۲۳.....	دستورهایی برای شفا از بیماری
۲۴.....	باطل‌کننده‌های سحر
۲۵.....	دعایی برای تحفظ
۲۵.....	برای یافتن چیز گمشده یا دزدیده شده
۲۶.....	ذکری برای فراوان شدن روزی
۲۶.....	برای فرزنددار شدن
۲۸.....	سرگرفتن ازدواج
۲۹.....	نیرومندی فهم و حافظه
۲۹.....	سه نکته‌ی طبّی
۳۰.....	درمان بی‌حالی در نماز
۳۱.....	بخش دوم: پندهای اخلاقی
۳۳.....	مراقبه
۳۳.....	بهترین ذکر
۳۳.....	اولین دستور سلوک
۳۴.....	تحصیل علوم دینی

- ۳۴ وجوب یادگیری احکام
- ۳۵ ارزش علم و عمل
- ۳۶ اگر حاکمیت این دو باشد، کار تمام است!
- ۳۷ علیک بالمؤخرات!
- ۳۸ استغفار جذی
- ۳۸ عواقب امور
- ۳۹ گاهی صاحب کرامت شدن، امتحان است!
- ۳۹ باید به خدا پناه برد
- ۳۹ از کجا معلوم که هر کدام از ما، خود یک صدام باشیم!
- ۴۰ مؤمن واقعی
- ۴۰ سوچسپه‌ی عادت‌ها
- ۴۱ تعظیم شعائر و دشمنی با خدا
- ۴۲ راز اهل کرامت بودن گذشتگان
- ۴۳ گذشتگان چه بودند و ما چه هستیم!
- ۴۴ همنشینی اولیا با ائمه
- ۴۴ گمان را قاطعانه گفتن، دروغ است
- ۴۵ دروغ واضح
- ۴۶ عواقب دروغ و غیبت
- ۴۶ می‌شود غیبت نکرد
- ۴۷ پرهیز از ناسزاگویی
- ۴۸ حیای بی‌جا ممنوع!
- ۴۸ راه رفتن در شلوغی
- ۴۹ بخش سوم: رهنمودهای اجتماعی و سیاسی
- ۵۱ وحدت در مقابل کفار
- ۵۲ «وحدت اسلامی»، صوری است نه باطنی
- ۵۳ فایده‌ی تقیه
- ۵۴ گستره‌ی تقیه در اسلام
- ۵۵ بعضی‌ها قدرت تقیه ندارند
- ۵۵ گرگ‌ها از پشت سر متوجه ما هستند

- ۵۶ وضع کشورهای اسلامی
- ۵۶ سرانجام تفرقه
- ۵۷ این جنگ‌ها از چیست؟!
- ۵۸ دخالت‌های کشورهای کفر
- ۵۹ دو علت جنگ‌افروزی قدرت‌ها
- ۶۰ مقدمات برای تغییر حکومت
- ۶۱ گم شده‌ام را پیدا کردم
- ۶۲ جزیه از مسلمان‌ها!
- ۶۲ جاسوس در حوزه‌ی نجف
- ۶۳ توبه‌ی جاسوس!
- ۶۴ صاحب حکومت غیر از صاحب فتواست
- ۶۴ بصیر بودن در موضوعات
- ۶۵ وظیفه‌ی امام مسلمانان
- ۶۶ همه‌ی ما مبتلا هستیم
- ۶۷ رشوه‌گیری و خیانت مصطفی کمال
- ۶۷ استفاده‌ی کامل از آنچه داریم
- ۶۹ بخش چهارم: اهل بیت علیهم السلام
- ۷۱ عید ولایت
- ۷۱ همه چیز در ولایت است
- ۷۲ اساس دین
- ۷۲ ما مردان خدا را نمی‌شناسیم، چه رسد به انبیا و اوصیا!
- ۷۳ اَللّٰهُمَّ قَرِيبٌ نَمِي خَوْرِنَد
- ۷۴ علم به شهادت
- ۷۵ عصمت از خطا و خطیئه
- ۷۵ عصمت هم مراتب دارد
- ۷۶ عصمت در غیر معصوم
- ۷۷ عدم درک مقام ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام
- ۷۷ معارف اهل بیت علیهم‌السلام
- ۷۸ عظمت نهج البلاغه

- تشخیص اهم و مهم ۷۹
- ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام ۸۰
- افضل مستحبات ۸۱
- محبت به آل الله، حتی برای بت پرست هم سودمند است! ۸۱
- به دو عالم ندهم لذت بیماری را! ۸۲
- مصیبت‌های واقعی، از دروغ‌هایش بیش تر است! ۸۳
- ستم متوکل به حرم سیدالشهدا علیه السلام ۸۳
- بخش پنجم: احتجاج‌ها ۸۵
- انسان با انصاف، به ولایت یقین دارد ۸۷
- حضرت رسول صلی الله علیه و آله فکر همه چیز را کرده بود ۸۸
- کنیت یا عدو الله! ۸۸
- اعتراف معاویه به غضب ولایت ۸۹
- دغلی‌ها و تیرنگ‌های معاویه ۹۰
- ابن زیاد ملعون و ثلاثی برای شویب افکنی ۹۱
- عمه‌ی ولید و اداره‌ی امور سلطنت ۹۲
- عمر بن عبدالعزیز ۹۳
- پسر عمرو و عاص و مخالفت با پدر ۹۴
- رخنه در دین نبی انداختیم ۹۵
- اعتقاد به جبر ۹۵
- تقیه یا دروغ؟! ۹۷
- شیعه دلیل نقلی دارند، ولی دلیل عقلی ندارند! ۹۸
- ققه مالک ۹۹
- ابوحنیفه ۱۰۰
- استبصار غزالی ۱۰۱
- توصیه به نشر یک کتاب ۱۰۱
- آیا می‌شود دینی بدون دشمن باشد؟! ۱۰۲
- تعیین امام با شمشیر! ۱۰۲
- پیوستگی قرآن و عترت ۱۰۳
- دوری از اهل بیت علیهم السلام ۱۰۵

- ۱۰۵..... ریشه‌ی همه‌ی اختلافات
- ۱۰۶..... تفسیر نادرست آیه‌ی خمس
- ۱۰۶..... شیعه، هم سنی است و هم شیعی!
- ۱۰۷..... اهل سنت، قیاسی‌اند، نه سنی!
- ۱۰۸..... اختلاف بین مذاهب اربعه
- ۱۰۹..... اختلاف در مسأله‌ی تکتف
- ۱۱۰..... نماز صبح چهار رکعتی!
- ۱۱۱..... شرط عدالت در امام
- ۱۱۲..... گویا آن آیه را نشنیده بود!
- ۱۱۳..... نماز فردای در جماعت باطل
- ۱۱۳..... آتش زدن کتابخانه‌ی شیخ طوسی
- ۱۱۴..... نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله در انجیل
- ۱۱۵..... گویا مذهبیان مسیحیت، دینی غیر از مسیحیت دارند!
- ۱۱۶..... افضل عبادات
- ۱۱۷..... انصاف، خیلی‌ها را مسلمان خواهد کرد
- ۱۱۸..... انجیل برنابا
- ۱۲۱..... بخش ششم: معارفی از اسلام
- ۱۲۳..... فصل اول: قرآن
- ۱۲۳..... اعجاز قرآن
- ۱۲۳..... تدبیر در قرآن
- ۱۲۵..... اسم اعظم در این سوره است
- ۱۲۵..... تمام قرآن در یک سوره
- ۱۲۶..... نور قرآن
- ۱۲۷..... سفارش‌هایی برای حافظ خردسال
- ۱۲۸..... فصل دوم: نماز
- ۱۲۸..... تأثیر نماز اول وقت
- ۱۲۹..... فکر دنیا در نماز!
- ۱۲۹..... بی‌نماز، بی‌دین است
- ۱۲۹..... باید خیلی ممنون باشیم!

- ۱۳۰..... توسعه‌ی اوقات نماز
- ۱۳۱..... از فایده‌های نماز جماعت اول وقت
- ۱۳۲..... فلسفه‌ی جماعت
- ۱۳۲..... سیاست در نماز
- ۱۳۳..... معصیت در نماز، بدتر است
- ۱۳۳..... احتیاط در تقلید
- ۱۳۳..... آسانی نماز نافله
- ۱۳۴..... از فایده‌های جسمی نماز
- ۱۳۴..... تسبیح مسجد
- ۱۳۵..... راه دانستن اهمیت کار
- ۱۳۶..... مسجد کوفه
- ۱۳۶..... تدریس در مسجد
- ۱۳۸..... فصل سوم: گوناگون
- ۱۳۸..... دعا برای فرج
- ۱۳۸..... امامت حضرت حجت علیه السلام بر حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۳۹..... نشانه‌ای از ظهور
- ۱۳۹..... هر ریاضتی اثری دارد، اما...
- ۱۴۰..... بخش الحاقی به دعای عرفه
- ۱۴۰..... گودی قتلگاه
- ۱۴۱..... طمع ابلیس به رحمت وسیع خدا
- ۱۴۲..... عفو گناهان
- ۱۴۳..... درکات کفر و عذاب‌های متناسب
- ۱۴۳..... باید خیرخواه همه باشیم
- ۱۴۳..... برزخ افراد، مختلف است
- ۱۴۴..... فایده‌ی صدقه
- ۱۴۵..... غناء در شکر
- ۱۴۶..... اگر حق داده شود، کسی محروم نمی‌ماند
- ۱۴۶..... زیارت عاشورا
- ۱۴۸..... مسجد جمکران، خود معرف خود است
- ۱۴۹..... جزیره‌ی خضراء

- ۱۳۹ اسکان و وقوع رؤیت امام زمان علیه السلام قابل انکار نیست
- ۱۵۰ مفاتیح الجنان معتبر است
- ۱۵۱ عجایب فراوان کوهها
- ۱۵۱ نشانی دروغ و خنده‌آور طمع‌کار!

بخش هفتم: دیدگاه‌های فقهی ۱۵۲

- ۱۵۵ اگر بتوانیم، واجب است!
- ۱۵۵ همه‌ی وقایع در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتاد
- ۱۵۶ خیلی روایات به ما نرسیده است
- ۱۵۷ مستحب مؤکد
- ۱۵۸ بدعت در کجاست؟
- ۱۵۸ ضروریات فقه، تقلیدی نیست
- ۱۵۹ می‌توان از همدیگر نیابت کرد
- ۱۶۰ شرط ایمان در امام
- ۱۶۰ صف اول جماعت و رعایت اهل فضل
- ۱۶۱ نافله؛ نه اعاده‌ی نماز واجب
- ۱۶۱ گاهی یک جهت از مکروه، حرام است
- ۱۶۲ عمل مصنوعی
- ۱۶۲ استعمال تنباکو
- ۱۶۳ احتیاط در نقش روی سکه‌ها
- ۱۶۴ مسکین و فقیر

بخش هشتم: دیگران در دیده‌ی آیت الله بهجت ۱۶۵

- ۱۶۷ ایمان ابوطالب
- ۱۶۸ حضرت سلمان و مقام یقین
- ۱۶۸ امام خمینی
- ۱۶۹ مقام سید بن طاووس
- ۱۶۹ ملأ فتح علی، مستجاب الدعوه بود
- ۱۶۹ سفره‌ی آسمانی
- ۱۷۰ عظمت خلیل بن احمد

- ۱۷۱ حسن ظن میرزای دوم
- ۱۷۱ از عقل!
- ۱۷۲ آغاز اجتهاد در شیعه
- ۱۷۲ اقتدا به کاسب
- ۱۷۳ اجتهاد با یک صفحه جواهر!
- ۱۷۴ مقام علمی شیخ انصاری
- ۱۷۴ عظمت مقام سید مرتضی
- ۱۷۵ سید مرتضی کشمیری
- ۱۷۶ کاشف اللثام و نوشتن کتاب قبل از بلوغ
- ۱۷۶ چرا از خودت چیزی نوشتی؟
- ۱۷۷ راز توفیق بهبهانی
- ۱۷۷ داوری طفل قنذاقی!
- ۱۷۸ وظیفه‌ی من خواستن بود
- ۱۷۸ امتیاز معانیج الشرائع
- ۱۷۹ امتیاز کتاب حدائق
- ۱۸۰ تفاوت گذشتگان با ما
- ۱۸۰ شیر بی‌یال و کوبال
- ۱۸۱ یاد قاضی
- ۱۸۱ شیخ مرتضی طالقانی
- ۱۸۲ تدریس در خواب
- ۱۸۲ مهذب‌ترین فرد آذربایجان
- ۱۸۳ عظمت آیت‌الله بهاء الدینی
- ۱۸۳ آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری
- ۱۸۵ سه اهل مراقبه
- ۱۸۵ درباره‌ی استاد محمد حسن رفیعا (معزی)
- ۱۸۶ همه زنده‌اند!
- ۱۸۷ بخش نهم: داستان‌هایی از زبان آیت الله بهجت
- ۱۸۹ سلطان و احترام به حضرت امیر علیه السلام
- ۱۸۹ علی علیه السلام سد را خراب کرد!

۱۹۰ آیا با داشتن علی بن ابی طالب کار به این جا بکشد؟!
۱۹۲ نادانی «علی اللہی» ها
۱۹۲ ختم قرآن مرحوم شیرازی
۱۹۲ عظمت و قدرت دعا و توسل
۱۹۳ زیرکی آزری
۱۹۳ شفاعت ابلیس
۱۹۵ خدا نماز دو هزار ساله را نمی خواهد
۱۹۵ میرزای قمی و فتحعلی شاه
۱۹۶ علت احتیاط علما
۱۹۷ ترک مکروه
۱۹۷ شصت سال بی توجهی!
۱۹۸ اضعف مامومان
۱۹۸ حمله‌ی وهابیان به کربلا و نجف
۱۹۹ دفن افراد در مشاهد مشرفه
۱۹۹ مرا رو به قبله بکش!
۲۰۰ هیبت خود را شکست
۲۰۰ تا آخر، با دقت باش!
۲۰۱ فضل و زیرکی مرحوم زنجانی
۲۰۲ کرامتی از مرحوم طالقانی
۲۰۲ راضی‌ام که تنها یک شب آن جا باشم!
۲۰۲ زیرکی حضرت آیت‌الله بروجردی
۲۰۳ ردش را گم کرد
۲۰۳ مناره‌ی شهر، قبر ذوالکفل و رشوه‌ی یهود!
۲۰۴ بی‌دینی عمومی شده است
۲۰۵ نتیجه‌ی بی‌اعتنایی به وقف
۲۰۶ تنها می‌خواهم مردم تربیت شوند
۲۰۶ یک نکته‌ی اصلاحی از کتاب‌های دیگر
۲۰۷ کتابنامه



بیش گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ آلِ اللَّهِ
وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَعْدَاءِ اللَّهِ!

گل‌گذاری ز گلستان جهان ما را بس زین چمن سایه‌ی آن سرو روان ما را
بس یار با ماست، چه حاجت که زیادت طلبیم؟! دولت صحبت آن مونس
جان ما را بس فقیه زاهد عابد صاحب کرامت، حضرت آیت‌الله بهجت - مد
ظله العالی - اکنون شناخته شده‌تر از آن است که نیازی به معرفی ایشان
باشد. آبشار فیض‌های علمی و روحی و مادی حضرتش، چندان خروشان
است و جوشان، که تنها باید دریا، دریا از آن برگرفت و در آن مستغرق
شد. «چترها را باید بست؛ زیر باران باید رفت».
عبادتش را که می‌نگری، عبادت‌های رؤیایی و دور از باور را که برای

اولیای گذشته نوشته‌اند، باور می‌کنی؛ نماز شب‌های طولانی، زیارت هر روزه‌ی جامعه‌ی کبیره و عاشورای کامل (با صد لعن و سلام)، مداومت بر دعای صباح، زیارت بانوی دو عالم حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام، مداومت بر نماز جعفر طیار، نمازهایی با هزار سوره‌ی توحید، سجده‌های طولانی و دوام و پیوستگی ذکر - بدون حتی یک لحظه گسست - و عبادت‌های بسیار دیگر، که حتی نامی از آن‌ها نشنیده‌ایم؛ و همین برای ما مانده است که نمی‌دانیم او ملک است یا آدمی زادا! وَ مَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا.

و اشتغالش به تحقیق و تعلیم را که می‌نگری - تا آن‌جا که در سن نزدیک به نود سالگی همچنان به آن مشغول است - گویی «همراه بودن با کتاب و دفتر و تحقیق»، جزء ذاتیات ایشان است و این ویژگی نیز، چون مجاهدت‌های اخلاقی و عرفانی، از همان نوجوانی با جنبش بوده است و داستان‌های شگفتی هم از شدت اهتمامش به این دو، از آن دوران نقل می‌کنند.

و کرامت دیگر ایشان، «جمع نمودن میان علم و عمل» است!

گرچه شیرین‌دهنان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

چه بسیار اولیای خدا را دیده و شنیده‌ایم که درس نخوانده بودند و عالم نبودنشان، نه تنها سرعت و مسافت پیشرفت را کاسته بود، بلکه گاهی سبب و خاستگاه توهمات و اشتباه‌هایی شدند.

و چه عالمان بسیار دانی را هم دیده و شنیده‌ایم، که بهره‌ای از نورانیت و پاکیزگی نبرده‌اند؛ چه رسد به مقامات معنوی!

و در این میان، جامه‌ی «جامعیت» را بر اندام کم‌تر کسی دوختند، که

حضرت آیت‌الله بهجت - که سایه‌اش مستدام باد - یکی از آنان است.

من چه گویم؟! یک رگم هشیار نیست

شرح آن یاری که او را یار نیست!

همان به که به مقتضای «شاه باید تا بداند شاه را»، از دیده‌ی دوستانش بخوانیم که: حضرت امام خمینی - قدس سره - می‌فرمودند: «جناب آقای بهجت، دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی است؛ از جمله مرگ اختیاری.» و نه تنها جامعه‌ی مدرسین را سفارش می‌کردند که از ایشان بخواهند درس اخلاق بگویند، بلکه حتی خبرگان رهبری را هم برای سلوک راه معنی، به ایشان ارجاع می‌دادند و زمانی که آرامش ظاهری آیت‌الله بهجت در مسایل اجتماعی و سیاسی (البته پیش از مرجعیتشان) نزد امام راحل بیان شد، فرمودند: «همان دعای آقای بهجت هم برای ما کافی است.»

عارف فرزانه، آیت‌الله قاضی - رحمه‌الله علیه - نیز گاهی نماز را به امامت شاگرد خود، آیت‌الله بهجت می‌خواند و در میان شاگردان خود، به ایشان بیش از دیگران عنایت داشت و احترام می‌گذاشت و به او بیش‌تر از سایرین امیدوار بود.

آیت‌الله کشمیری نیز حضرت بهجت را «استاد کامل» می‌دانست و آیت‌الله بهاء الدینی هم می‌فرمود: «اکنون ثروتمندترین مرد عالم (از جهت معنوی) آقا بهجت است.»

فتنه و آشوب و خونریزی مجو

بیش از این از شمس تبریزی مگو

باری؛ ما را اکنون سر آن نیست که درباره‌ی این محسود فرشتگان و آبروی اهل علم و فخر آل عمل به سخن بنشینیم، که آن را - به حقیقت - بیرون از علم و توانایی خود می‌یابیم و بر این عقیده‌ایم که اهل معرفت باید سال‌ها در زاویه‌های گوناگون شخصیت ایشان دقت کنند و بنگارند، تا شاید بتوان پس از آن، تازه به شناخت ایشان مفتخر شد؛ اما استفاده‌ی در خور از این گوهر تربیت‌شده‌ی دامان اهل‌بیت: در چه زمانی ممکن شود، نمی‌دانیم!

خوشبختانه تا کنون چند کتاب در هریک از زمینه‌های «بیان حالات» و «کرامات» و «آموزه‌های اخلاقی و عرفانی و سیاسی» ایشان، منتشر شده و نکات بسیار مهمی هم در لابلای چند کتاب دیگر به نگارش درآمده است؛ البته باید چشم به راه نوشته‌های دقیق‌تر و عالمانه‌تری بود. ما نیز در این جا به بیان دو نکته از سیره و دو کرامت از ایشان بسنده می‌کنیم:

یکم: آیت‌الله عباس قوچانی می‌فرمود: «من با آقا بهجت خیلی رفاقت داشتم؛ ایشان [برهه‌ای در زمان تحصیل در نجف اشرف] شب که شام می‌خوردند، تشک می‌انداختند و می‌خوابیدند و برای مطالعه و درس، چراغ روشن نمی‌کردند. من گمان می‌کردم که لابد می‌خواهند زودتر بخوابند تا دو سه ساعت مانده به اذان صبح بیدار شوند. اما پس از شش ماه متوجه شدم که آقا بهجت، نفت نداشت تا چراغ روشن کند و طوری هم وانمود می‌کرد که من متوجه نشوم. (ایشان از مغازه‌دارها نسیه هم

۱. به نام‌های به سوی محبوب، در محضر آیت‌الله بهجت (جلد اول و دوم)، فیضی از ورای سکوت، فریادگر توحید، برگی از دفتر آفتاب، بهجت عارفان (جلد اول)، نکته‌های ناب، و ستاره‌ی درخشان قوم.

نمی گرفت.)^۱

دوم: در چهاردم رمضان المبارک ۱۴۱۶، برای اقامه‌ی نماز ظهر و عصر به امامت ایشان، نزد منزلشان رفتیم تا مسافت منزل تا مسجد را هم همراهشان باشیم.

لحظاتی پس از خروجشان از خانه، شخصی نزدیک ایشان آمده، پس از معرفی خود، گفت: «من بیست سال است که به کار چاپ و نشر کتاب مشغولم؛ آیا اذن می‌فرمایید که نکات اخلاقی‌ای که حضرت عالی در میان درس می‌فرمایید، جمع‌آوری کرده و چاپ کنم؟»

حضرت آیت‌الله بهجت - دام ظلّه - فرمودند: «ما اخلاق نمی‌گوییم؛ درس فقه و اصول است که منجر به این مسایل می‌شود!» آن ناشر ادامه داد: «همان مطلب خارج از فقه و اصول و سخنانی که از بزرگان گذشته نقل می‌فرمایید.»

حضرت استاد فرمودند: «به دو شرط: اول این که نامی از بنده برده نشود و دوم این که باید کاملاً به همان شکل باشد و حتی یک "از" کم و زیاد نشود!»

ناشر افزود: «آن شاء الله مطالب کم و زیاد نخواهد شد، اما نمی‌شود که نامی از شما نبریم و معلوم نباشد که این سخنان از کیست!»

آیت‌الله بهجت فرمودند: «نه آقا! در آن صورت اذن نمی‌دهم. (روی جلد] بنویسید "یکی از اهل علم"; تا حالا هم هرچه بوده، اذن نداده‌ام نامی از من باشد.»

سوم: روزی یکی از مفسدان اقتصادی که گروه فراوانی از مسؤولان را

۱. صلح کل (۱)، ص ۱۹۰.

هم نمک خور و نمک گیر خود کرده بود، و سرانجام با هوشیاری رهبر فرزانه‌ی انقلاب، روانه‌ی دادگاه گشته و محکوم گردید، در آن زمان که هنوز کسی از تبهکاری‌هایش آگاه نبود، نزد حضرت آیت‌الله بهجت آمده، و - پناه بر خدا - گویا در ایشان هم طمع کرده بود! ایشان، وی را نپذیرفته، در راهرو درب منزل به او فرمودند: «برو برای تمام کارهایت - چه خوب و چه بد - دائماً بگو: استغفرالله!»

و بعدها روشن شد که کارهای خوب او هم (مانند بذل و بخشش‌هایش) از وام‌های هنگفتی بود که از بانک‌ها برای عمران و آبادی می‌گرفت، اما با زیرکی و شیطنت، آن‌ها را در راه‌های دیگر صرف می‌کرد و... (و کارهای بدش...؟!)

چهارم: سرهنگ علی قلی‌پور که در جنگ تحمیلی به شدت مجروح شده و تا مرز فلج شدن هم رسیده بود، باز عقیده داشت که باید به جبهه بازگردد و بجنگد. اطرافیان‌ش هم او را به ماندن در پشت جبهه سفارش می‌کردند. سرانجام تصمیم گرفت که نزد حضرت آیت‌الله بهجت - دام ظلّه - برای رفتن به جبهه، استخاره کند. وی می‌گوید: «بدون این که نیتم را به حضرت آیت‌الله بهجت بگویم، بدون استخاره گرفتن به من فرمود: "از شما که دیگر ساقط است."»

اما درباره‌ی صحیفه‌ی مبارکی که اینک در برابر شماست، باید گفت که جناب آقا مهدی عاصمی - که نشاطش در گسترش معارف آل‌الله علیهم‌السلام، همه روزه در فزون باد - پس از شنیدن دست کم هشتصد و پنجاه نوار از درس‌های فقه و اصول آیت‌الله بهجت، نکاتی که به مناسبت در میان درس، از زبان آن استاد یگانه صادر می‌شد و برای عموم مفید می‌نمود، بر

کاغذ پیاده کرده، سپس این کم‌ترین پس از حذف بخش‌هایی که در کتاب‌های پیشین، از بیان ایشان آمده بود، به ویرایشی وفادار به الفاظ حضرت استاد - دام ظلّه - دست یازیدم و مطالب دیگری هم از کتاب‌هایی غیر از آنچه اختصاصاً درباره‌ی آیت‌الله بهجت نگاشته شده است، و سرانجام پاره‌ای از مشاهدات و استماعات خود را هم بر آن افزودم و ارمغان اهل معرفت نمودم.

دوام جلوه‌ی حضرت بهجت را شب و روز، مضطرانه از ارحم الراحمین خواهانیم.

سید علی تهرانی

۱۳۸۳/۳/۲۹

www.ketab.ir